

بوم خبر

نمایشگاه «هنر دهه چهل» گشایش یافت



باغ موزه هنر ایرانی: نمایشگاه «هنر دهه چهل» با حضور جمعی از هنرمندان و هنر دوستان در باغ موزه هنر ایرانی گشایش یافت.

نمایشگاه «هنر دهه چهل» با حضور احسان محمدی، رییس باغ موزه‌ی هنر ایرانی و مدیر امور بین الملل سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، جمعی از اساتید از جمله سدراک نظریان، هنرمند پیش‌کسوت نقاش و مرمت‌کار آثار نقاشی، اردشیر مجرد تاکستانی، نگارگر، عنایت‌الله نظری نوری، نقاش، محسن احتشامی، گرافیسیت، شاکه ماکاریان (وارطانیان)، هنرمند، عبدی اسبقی، نقاش، فرهاد عزیزی، عکاس، و جمعی از شهروندان، عصر جمعه، یکم آذرماه ساعت ۱۶، در نگارخانه پردیس باغ موزه هنر ایرانی گشایش یافت.

این نمایشگاه آثاری از هنرمندان برجسته تاریخ هنر ایران همچون استادان علی رخساز، بی‌جم، عباس کاتوزیان، حسین همدانی، محسن سهیلی، هاکپ وارطانیان، علی محمد حیدریان، انوش یغیازاریان، عباس جلالی سوسن آبادی و سایرین است که با عنوان هنرمندان دهه‌ی ۴۰ از آن‌ها یاد شده، آثاری زیباست که گوشه‌ای از تلاش و همت این بزرگان را به نمایش گذاشته شده است. نقاشان دوره‌ای که پلی شدند برای گذر به مدرنیست، پیش از این، کار کلاسیک مطرح‌تر از امروز بوده است. اما اکنون به‌خاطر ورود آثار مدرن تمایل به آثار کلاسیک کمتر شده است. حال آن‌که آثار کلاسیک همیشه ماندگار است. این هنرمندان گنجینه ملی ما هستند و نباید فراموش شوند. در این نمایشگاه که در نگارخانه پردیس باغ موزه هنر ایرانی برپا شده است ۴۴ اثر از هنرمندان مکتب کمال‌الملک، شاگردان پیشکسوت و همچنین آثاری از نقاشان دهه‌ی چهل از جمله جعفر پنگر، عباس کاتوزیان، علی رخساز، علی محمد حیدریان، علی بی‌جم، حسین همدانی، هاکپ وارطانیان، میثا شهبازیان، باجلان لوه، عباس جلالی سوسن آبادی، جباربیک، محسن سهیلی، انوش یغیازاریان، بهمن بروجنی، آواک‌هایرلپتیان، منوچهر نیازی، ابراهیم فرجی، غلامرضا مضمون‌دار به نمایش درآمده است که تا هشتم آذرماه ۱۳۹۸ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

علاقه‌مندان بازدید از این نمایشگاه می‌توانند به نشانی خیابان ولی عصر (عج)، بعد از پارک وی، خیابان شهید فیاضی، خیابان بوسنی هرزگوین، خیابان دکتتر حسینی، باغ موزه هنر ایرانی مراجعه کنند.

نمایشگاهی از آثار آیدین آغداشلو و ۳۱ هنرمند دیگر

نمایشگاهی گروهی با حضور بیش از ۳۰ هنرمند و با عنوان «دو پرتره» روز جمعه (۱۵ آذرماه) در گالری ایوان بر گزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، در این نمایشگاه آثاری از هنرمندانی همچون آیدین آغداشلو، مسعود عربشاهی، رامین سعادت قرین، شیرین اتحادیه، علی نصیر، فریده لاشایی، قاسم حاجی‌زاده، منصور قنذر یز، مهرداد مجعلی، مهدی ویشکایی و هوشنگ پزشکیار ارائه می‌شود. همچنین آثار هنرمندانی دیگری همانند الهه کساورز، آرفه آراد، بهارک دهقان، برنیان امیدی، پدram لسانی، پگی لوه، حسین آزادی، حمیدرضا حکیمی، دلبر شهباز، رکسانا منوچهری، سسپیده ذرات، سارا رزمی، سارا عسگری، سیاوش منصور، شپروز صدر، علی اتحاد، عرفان رحیمی، غزاله علیاری، لیلافتحی، مهساذاکری، مهدی منصور... به نمایش گذاشته می‌شود. نمایشگاه گروهی «دو پرتره» از ۱۵ تا ۲۹ آذرماه در گالری ایوان برقرار است و هر روز به غیر از شنبه‌ها از ساعت ۱۶ الی ۲۰ امکان بازدید دارد. گالری ایوان در الهیه، مریم شرقی، بن‌بست حمید، شماره یک واقع شده است.

گاهی هنرمند در گزاره نویسی می‌خواهد با یک متن فلسفی پیچیده و انتخاب یک عنوان خاص و کمتر شنیده شده، آثار را در موقعیتی ویژه قرار دهد، غافل از اینکه مخاطب حرفه‌ای در نخستین برخورد، حقیقی بودن یا چسبانده شدن مفهوم به اثر را تشخیص خواهد داد

گزاره خود بسیار مهم و تاثیر گذار است، چراکه احتمال پذیرش هنرمند و آثارش در جایگاه حقیقی خود در هر سطحی که باشد، بسیار بیشتر از موقعی است که هنرمند به چیزی که نیست تظاهر کند. آخرین مورد در این بررسی «زیاده‌گویی در گزاره» است. این مورد شاید در ابتدا چندان مهم به نظر نرسد اما رعایت آن کمک فراوانی به اثر بخشی گزاره خواهد کرد. نخستین اشکال در متن‌های طولانی این است که بعد به نظر می‌رسد مخاطب حوصله و زمان کافی برای خواندن متنی چند صفحه‌ای و پیچیده داشته باشد و پس از آن به دیدن نمایشگاه آثار بپردازد. هنگامی که هنرمند اجازه در نوشتن را رعایت می‌کند، علاوه بر اینکه متن را از پیچیدگی بی‌جهت و تبدیل شدن به یک قطعه ادبی می‌رهاند، به مخاطب نیز کمک می‌کند تا ارتباط میان آثار، ذهنیت هنرمند و مضمون مورد نظر او را با سهولت بیشتری دریابد. از طرفی، بسیاری از گزاره‌ها به قصد بیان موضوع و ایده نمایشگاه برای مخاطب با مقدمه‌های آغاز می‌شود، اما همین مقدمه گاه آنقدر طولانی می‌شود که از شکل مشخص خارج شده، به متنی کلی تبدیل می‌شود و آن هم متنی که فقط در سطح آراش‌ها و جزئی به موضوع و ایده نمایشگاه می‌کند.

مورد نظر و گفته‌ای هم هیچ معنی ندارد، اما زمانی که این ارجاعات بیش از اندازه می‌شود و یا بدون ارتباط منطقی و تنها برای تظاهر به مهم بودن و عمیق بودن اندیشه هنرمند به گزاره‌ها راه می‌یابد، چنین مشکلی بروز پیدا می‌کند «بزرگ‌نمایی در گزاره» مورد بعدی در بررسی گزاره‌ها است. بزرگ‌نمایی یکی دیگر از عمده‌آسیب‌هایی است که خواسته یا ناخواسته در این متن‌ها دیده می‌شود و در نهایت موجب می‌شود که گزاره هنرمند از آثارش فاصله بگیرد. همانگونه که پیش از این در بررسی موارد دیگر گفته شد، گاهی هنرمندان دچار کلیشه‌ها، متن‌های گنگ و ادبی و یسار جاعات بی‌مورد می‌شوند، اما بزرگ‌نمایی در گزاره کمی متفاوت از این موارد است. در بحث بزرگ‌نمایی، لزوماً متن بی‌ارتباط به آثار هنرمند نیست، اما اغراق بی‌دلیل باعث می‌شود آنچه که می‌خوانیم با آنچه که می‌بینیم و در کمی کنیم همخوانی نداشته باشد. پنجمین مورد که می‌تواند به نوعی برآمده از موارد پیشین باشد «ناهمخوانی گزاره با مجموعه آثار» است. متن‌های کلیشه‌ای، ادبی و گنگ، کلی‌گویی و همراه با بزرگ‌نمایی شاید اصلی‌ترین مشکل در فقدان همخوانی گزاره با آثار هنرمند باشد. اما فارغ از این، رویکردهای دیگری نیز سبب گسست ارتباط میان گزاره و آثار می‌شود. یکی از آن‌ها نوشتن گزاره در راستای معنابخشی و چسباندن مفهوم به آثار است. در چنین حالتی هنرمند در واقع می‌خواهد با یک متن فلسفی پیچیده و انتخاب یک عنوان خاص و کمتر شنیده شده، آثار را در موقعیتی ویژه قرار دهد، غافل از اینکه مخاطب حرفه‌ای در نخستین برخورد، حقیقی بودن یا چسبانده شدن مفهوم به اثر را تشخیص خواهد داد. آنچه اهمیت بسیار دارد هم‌راستا و هم‌طراز بودن گزاره و آثار هنرمند است و اشتباه بزرگ دست و پا کردن مفهوم برای یک اثر است. در حقیقت صداقت هنرمند در



ار جاع بی‌مورد و بیش از اندازه به آرای دیگران از ناهنجاری‌های گزاره‌های هنری ما است؛ اینکه هنرمندان تحت تأثیر یک فیلسوف، نویسنده یا نوشته یک منتقد هنری قرار گرفته باشند و این آرا در کار آن‌ها تاثیر گذار بوده باشد، طبیعی است

«ارجاع بی‌مورد و بیش از اندازه به آرای دیگران» از دیگر ناهنجاری‌های گزاره‌های هنری ما است. اینکه هنرمندان تحت تأثیر یک فیلسوف، نویسنده یا نوشته یک منتقد هنری قرار گرفته باشند و این آرا در کار آن‌ها تاثیر گذار بوده باشد، طبیعی است و نوشتن درباره این الهامات و ارجاع به فرد

که در مورد گزاره‌های نمایشگاهی مابه چشم می‌آید و در ادامه مورد نخست، متن‌های هنرمندان را تحت تأثیر قرار داده است. این مورد به دو شکل در گزاره‌های هنرمندان خودنمایی می‌کند. نخست استفاده هنرمندان از عبارات‌ها، کلمات و مفاهیم کلیشه‌ای و در برخی موارد حتی بی‌معنی است. واقعیت این است که بسیاری از این عبارات‌ها به درستی قابل درک نیست و فقط کار را برای درک مخاطب پیچیده تر می‌کند. مخاطب پیش از هر چیز می‌خواهد بداند که برای مثال چه ارتباطی میان معضلات محیط زیستی، اساطیر، ترس و تنهایی انسان در هزاره سوم و آثار هنرمند وجود دارد و چه چیزی الهام‌بخش او برای خلق این آثار بوده است. نکته دوم در این بخش، کلیشه‌سازی توسط هنرمند است. عبارت‌ها، واژه‌ها و مفاهیم فراوانی وجود دارد که به‌خودی‌خود کلیشه‌های نیست اما استفاده غیر مرتبط و احساساتی از آن‌ها باعث می‌شود که اینگونه به نظر برسد.

موردی هستند که آسیب‌های عمده در مجموعه گزاره‌های مورد مطالعه را شکل می‌دهند. «گزاره‌های ادبی، گنگ و نامفهوم» اشاره به متن‌هایی دارد که بیش از اندازه ادبی و شاعرانه هستند تا جایی که می‌توان برخی از آن‌ها را به عنوان یک دل‌نویسی، شعر و متن ادبی جداگانه ارائه داد و طبیعتاً چندان مرتبط با آثار نمایشگاه نیستند. حتی بعضی از این متن‌ها از شدت پیچیدگی و استفاده از مفاهیم و کلمات فلسفی نه چندان مرتبط با یکدیگر، تبدیل به متونی گنگ و نامفهوم شده‌اند (دسته سومی هم وجود دارد که بین دودسته یاد شده قرار می‌گیرد و شامل متن‌هایی می‌شود که شاید به زبان ساده‌تری نوشته شده باشند اما فاقد تمرکز لازم و هر بخش از آن‌ها درباره چیزهای متفاوت از دیگری است، به طوری که در نهایت مخاطب در فهم هدف و منظور هنرمند از نوشتن این گزاره‌ها سردرگم باقی می‌ماند. «کلیشه‌سازی یا استفاده بی‌مورد از کلیشه‌ها در گزاره» دومین موردی است

محمود مکتبی «گزاره» هنرمند چیست و به چه دلیل باید هنرمند درباره آثارش بنویسد؟ این پرسشی رایج نزد هنرمندان است؛ برخی از هنرمندان گزاره نویسی را عملی دشوار توصیف می‌کنند و بعضی دیگر معتقدند که اگر می‌خواستند یامی توانستند درباره آثار هنری بنویسند اساساً چه نیازی به خلق آن‌ها بود؟ اما در کنار این پرسش‌ها آنچه شاید بیش از این‌ها نیاز به روشنگری دارد این است که هنرمندان تجسمی کشور ما تا چه اندازه به اقتضات گزاره نویسی می‌اندیشند؟ در این ارتباط بعضی از اصلی‌ترین موارد بی‌توجهی هنرمندان ایرانی به این اقتضات را مرور می‌کنیم. «گزاره‌های ادبی، گنگ و نامفهوم»، «کلیشه‌سازی یا استفاده بی‌مورد از کلیشه‌ها»، «ارجاع بی‌مورد و بیش از اندازه به آرای دیگران»، «بزرگ‌نمایی در گزاره»، «ناهمخوانی گزاره با مجموعه آثار» و «زیاده‌گویی در گزاره» شش

رویداد

سوزه غالب نقاشی‌های منوچهر یکتایی طبیعت بی‌جان است؛

درگذشت نقاش برجسته سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی

بیش از شصت نمایشگاه جمعی و انفرادی در کشورهای مختلف، نگاهی ویژه و جایگاهی ارجمند در مواجهه با جهان نقاشی مدرن دارد. جدا از نقاشی، او شعر نیز می‌گفت و شعر فالگوش وی در جشن هنر شیراز اجرایی دراماتیک یافته است. به جرأت می‌توان گفت که یکتایی یکی از شناخته‌شده‌ترین و خوش‌اقبال‌ترین هنرمندان ایرانی در سطح بین‌المللی است که توانسته با تلفیق شاخصه‌های اکسپرسیونیسم انتزاعی و هنر شرقی به بیانی زیبا، جسور و شخصی دست یابد. هر چند هنر وی محصول سال‌ها زندگی در فرانسه و آمریکاست، اما نوع نگاه به موضوع، انتخاب سوز و زاویه دید تماماً دل در گرو شرق دارد. ضربات سه‌مگین قلم‌مو بر پیکر تابلو، تلفیق بداهه رنگ‌ها بر روی بوم، استفاده از کار دک به جای قلم‌مو، به کارگیری رنگ‌های غلیظ و حجیم، انتخاب بوم‌های عظیم با کمپوزیسیون‌های نامتعارف همگی حاصل سال‌ها هنرورزی در مکتب‌های آوانگارد غربی است. از سویی، نگاه خاص به طبیعت بی‌جان، انتخاب رنگ‌ها با خلوصی بی‌مانند، بداهگی حاصل از نوعی مکاشفه و هجومی خودانگیزی بر بومی که بر سطح زمین پهن شده، همه‌ها وارد

منوچهر یکتایی نقاش برجسته سبک اکسپرسیونیسم، از پیشگامان نقاشی معاصر ایران و فعال در مکتب نقاشان نیویورک، بامداد ۲۸ آبان ماه در آمریکا درگذشت. یکتایی متولد سال ۱۳۰۱ و از پیشگامان نقاشی نوگرایی ایران بود. او تا ۲۲ سالگی در ایران زندگی کرد و با نیمه کاره‌ها کردن تحصیل در دانشکده هنرهای زیاده‌ر سال ۱۳۳۳ عازم آمریکا شد و در سال ۱۳۳۶ تحصیل را در مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) و سپس در آمریکا ادامه داد. در سال ۱۳۳۰ اولین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری «بورگنیکت» در نیویورک برپا کرد و سپس از آن آثارش را در شهرهای واشنگتن، شیکاگو و بالتیمور به تماشا گذاشت. آثار او تاجایی پیش رفت که موزه هنرهای مدرن نیویورک یک تابلو و دو طرح از او خریداری کرد. یکتایی جایگاه خود را به عنوان یک هنرمند ایرانی در مکتب نقاشان نیویورک در کنار هنرمندانی چون «جکسون پالک» و «ویلیم دکونینگ» تثبیت کرده است.

او اگر چه در جوانی وطن را ترک کرد و جز چند اقامت کوتاه در ایران حضور نداشت، اما یکی از معتبرترین هنرمندان جنبش هنر نوین ایران است. او با پیوستن به مکتب نیویورک و برگزاری



ساختن ترکیبی مؤثر و حیرت‌زاد زمینه سفید، بی‌جان است؛ اشکال آشنایی که در دستان هنرمند وی، به نقش‌مایه‌هایی دگرگون شده، تغییر فرم می‌دهند. فشار، اعوجاج و انرژی بی‌پایانی از دل هر خط و سطح بر ذهن مخاطب گسیل می‌شود و این چنین فضایی انتزاعی از دل جهانی عینی، زاده می‌شود. تابلوهای منوچهر یکتایی، از نوع نقاشی کنشی و عمل‌گراست که رفتار هنرمند به هنگام نقاشی را در خود متجمد کرده است؛ انرژی متجمد شده در حرکات سریع قلم‌مو، همراه با نوعی تشویش و سرعت اجراء، به بهترین نحو رفتار هنرمند به هنگام نقاشی را بازآفرینی می‌کند. در تابلوهایش، گل‌ها معمولاً بافتی خشن، ساختی سریع و ترکیبی مرکب‌زده در متن سفید دارند. او گل‌هایش را شتاب زده در فوآن حسی نقاشی می‌کند، البته گل‌ها بهانه‌ای است برای نمایش توده لکه‌های رنگی بر پرده که به سودای جنگ جهانی دوم و تغییر مرکز هنر از پاریس



که جریان تاشیسیسم در آن متولد شده بود. به نیویورک که اکسپرسیونیسم انتزاعی با عنوان مکتب نیویورک در حال تبلور بود، هنرمندانی با ملیت‌های گوناگون در حال ایجاد تحولی در تاریخ هنر مدرن بودند که منوچهر یکتایی نیز از آن جمله بود. توانایی کم‌نظیر او در ترکیب‌بندی و مهار ضربات سسنگین قلم‌مو با بیانی موجز در آثارش به ویژه در منظره‌ها و طبیعت‌های بیجان، آنها را تشخیص‌یگانه می‌بخشد و به بیان مینیمالیستی نزدیک می‌کند. حق آن است که هنر ایران فقدان هنرمندی را به سوگ می‌نشیند که از شاخص‌ترین هنرمندان مستقل در جریان هنر نو گرای است. مهاجرت زودهنگام او و جدایی از فضای هنر ایران، هیچ‌گاه حس و حال ایرانی را از آثارش نزود و همواره به عنوان هنرمندی ایرانی بر تارک هنر این سرزمین پرافتخار خواهد درخشید. روحش فرین رحمت و آرامش.»